

# رویکردی جامع‌شناختی، انتقادی به جراحی زیبایی

اسداله بابایی فرد

(عضو هیات علمی دانشگاه کاشان)

[www.ketab.ir](http://www.ketab.ir)



به نام خالق پیدا و پنهان  
که پیدا و نهان داند به یک سان

سرشناسه	:	بابایی فرد، اسداله، ۱۳۵۳ -
عنوان و نام پدیدآور	:	رویکردی جامعه‌شناختی - انتقادی به جراحی زیبایی / نویسنده: اسداله بابایی فرد
مشخصات نشر	:	تهران: نشر تیسرا ساغر مهر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	:	۳۳۶ ص؛ ۱۴×۲۱/۵ س.م
فروست	:	کتاب انسان‌شناخت ۷۳۰
شابک	:	۱۰۳۹۰۰۰ ریال؛ 3-202-978-622
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	جراحی پلاستیک -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	:	Surgery, Plastic -- Social Aspects
موضوع	:	جراحی پلاستیک -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی
موضوع	:	Surgery, Plastic -- Iran -- Social Aspects
موضوع	:	جراحی پلاستیک -- جنبه‌های روان‌شناختی
موضوع	:	Surgery, Plastic -- Psychological Aspects
موضوع	:	جراحی پلاستیک -- ایران -- جنبه‌های روان‌شناختی
موضوع	:	Surgery, Plastic -- Iran -- Psychological Aspects
رده‌بندی کنگره	:	۱۴۰۰ ب ۲ ر ۹ / RD۱۱۹
رده‌بندی دیویی	:	۶۱۷/۹۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۶۵۵۴۰۷

www.ketab.ir

رویکردی جامعه‌شناختی - انتقادی به جراحی زیبایی

نویسنده: دکتر اسداله بابایی فرد

چاپ دوم: زمستان ۱۴۰۰

شماره نشر: ۲۸۳

ویراستار: امیرحسین غلام‌پور

صفحه‌آرا: حورا اشجعی

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: سعید صادقی

تیراژ: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۳۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۳-۲۰۲-۳

۱۵.....	پیشگفتار.....
۳۱.....	فصل یکم: کلیات پژوهش.....
۳۱.....	طرح و بیان موضوع.....
۳۵.....	اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش در حوزه جراحی زیبایی.....
۴۰.....	اهداف پژوهش.....
۴۱.....	تعریف مفاهیم و اصطلاحات کلیدی در حوزه جراحی زیبایی.....
۴۱.....	۱. جامعه‌شناسی بدن.....
۴۷.....	۲. زبان بدنی.....
۵۰.....	۳. هویت.....
۵۱.....	۴. فرهنگ.....
۵۲.....	۵. فرهنگ‌پذیری.....
۵۳.....	۶. مدیریت بدن.....
۵۶.....	۷. جراحی پلاستیک یا جراحی زیبایی.....
۶۳.....	فصل دوم: تاریخچه جراحی زیبایی در جهان و ایران.....
۶۳.....	تاریخچه جراحی زیبایی در جهان.....
۷۴.....	تاریخچه جراحی زیبایی در ایران.....
۹۹.....	فصل سوم: وضعیت و آمار جراحی زیبایی در جهان و ایران.....

۱۰۷.....	فصل چهارم: شایع‌ترین جراحی‌های زیبایی در ایران
۱۱۳.....	فصل پنجم: مخالفان و طرفداران جراحی زیبایی
۱۱۴.....	مخالفان جراحی زیبایی
۱۱۵.....	طرفداران جراحی زیبایی
۱۱۷.....	فصل ششم: عوامل مؤثر بر گرایش به جراحی زیبایی در جهان و ایران
۱۲۳.....	عوامل زیست‌شناختی و پزشکی
۱۲۶.....	عوامل روانی و روان‌شناختی
۱۲۷.....	۱. گرایش طبیعی انسان به زیبایی
۱۲۸.....	۲. اختلالات شخصیتی و بیماری بدشکل‌انگاری بدن
۱۶۰.....	۳. گم‌گشتگی و بحران هویت
۱۶۶.....	۴. ویژگی‌های شخصیتی ضعیف
۱۷۴.....	عوامل اجتماعی و فرهنگی
۱۸۳.....	۱. ساختارها یا فشارهای اجتماعی
۱۹۰.....	۲. کسب پذیرش و موفقیت اجتماعی
۱۹۲.....	۳. نظام سرمایه‌داری سودمدار
۲۱۱.....	۴. نگرش‌های جنسیتی به بدن
۲۱۵.....	۵. سرمایه اجتماعی و فرهنگی
۲۱۹.....	۶. رواج مصرف‌گرایی در جامعه جدید
۲۲۸.....	۷. کسب منزلت اجتماعی
۲۳۷.....	۸. اروتیزه شدن زیبایی
۲۳۹.....	۹. نظام فرهنگی جامعه
۲۴۱.....	۱۰. خانواده، گروه‌های مرجع و دوستان
۲۴۵.....	۱۱. مدگرایی و چشم‌وهم‌چشمی
۲۴۶.....	۱۲. رسانه‌های ارتباط جمعی
۲۶۰.....	۱۳. مدرنیته، جهانی شدن و مدیریت بدن
۲۷۲.....	۱۴. واکنش در برابر گفتمان زیبایی حاکم
۲۸۳.....	فصل هفتم: پیامدها و آسیب‌های جراحی زیبایی
۲۸۳.....	جراحی زیبایی به‌عنوان یک پدیده آسیب‌زا
۲۸۸.....	پیامدها و آسیب‌های پزشکی جراحی زیبایی

## پیشگفتار

توجه به ظاهر جسمانی و آراستن آن پدیده‌ای است که در طول تاریخ در میان انسان‌ها رواج داشته است. اصولاً انسان موجودی زیبایی دوست است و از جمله مظاهر زیبایی که حس زیبایی دوستی انسان را برمی‌انگیزد، زیبایی ظاهری یا جسمانی است؛ هر چند برخی متفکران، فلاسفه، عارفان و شاعران در کنار سخن گفتن از زیبایی ظاهری در مورد زیبایی معنوی و باطنی نیز سخن‌ها گفته و بر آن گونه از زیبایی حتی تأکیدهای ویژه‌ای داشته‌اند. یکی از واقعیت‌های مربوط به زیبایی این است که برداشت از زیبایی در گذر تاریخ و در گستره جغرافیا دچار تغییر و تحول بوده و انسان‌ها در برهه‌های تاریخی گوناگون برداشت‌های متفاوت، و حتی متعارضی از زیبایی داشته‌اند. به بیان دیگر، مردم جوامع گوناگون در دوره‌های تاریخی مختلف برداشت‌های گوناگونی از زیبایی داشته و بر اساس معیارهای خاص زیبایی‌شناختی خود در مورد زیبایی و زشتی داوری می‌کردند. تفاوت معیارهای زیبایی‌شناختی هم در درون خود جوامع وجود داشته و هم در میان آن‌ها. در معنای دیگر سخن، نه تنها در درون یک جامعه معیارهای زیبایی‌شناختی از یک عصر به عصر دیگر تفاوت پیدا می‌کرد، بلکه مردم جوامع گوناگون، هر کدام، دارای معیارهای زیبایی‌شناختی ویژه خود نیز بوده‌اند. البته این موضوع که «آیا زیبایی امری مطلق است یا نسبی؟» موضوعی بسیار پیچیده است و برای این پرسش متفکران، فلاسفه و دیگر

صاحب‌نظران پاسخ‌های گوناگونی بیان کرده‌اند. در اینجا مجال پرداختن به بحث در مورد چنین موضوعی نیست، فقط به همین ایده بسنده می‌کنم که به وجود اختلافات چشمگیر در معیارهای زیبایی‌شناختی انسان‌ها در طول تاریخ و در گستره جغرافیا، گویا در سطح جهانی برخی معیارها و استانداردهای زیبایی‌شناختی وجود دارند؛ معیارها و استانداردهایی که لاقلاً بخش مهمی از انسان‌ها در مورد آن‌ها اشتراک نظر دارند. به بیان دیگر، شاید کمتر کسی شخصی را که حداقل‌های زیبایی را ندارد زیبا بداند، یا برعکس، شخصی را که دارای ویژگی‌های ظاهری پسندیده و زیباست و هیچ‌گونه عیب و نقصی در چهره یا بدن او وجود ندارد نازیباً و حتی زشت تلقی کند.

از این‌رو، برخلاف برداشت‌های پست‌مدرنیستی که تمامی امور و پدیده‌های بشری را بر اساس اصل نسبی‌گرایی می‌نگرند، معتقدم که زیبایی یا نازیبایی دارای برخی معیارهاست و این‌گونه نیست که هیچ‌گونه معیار و استاندارد برای سنجش زیبا و نازیباً وجود نداشته باشد. اما اینکه در کنار زیبایی‌های ظاهری و جسمانی دیگر انواع زیبایی وجود دارد که به دیدن ظاهرین در نمی‌آید، و حتی چنین زیبایی‌هایی در زندگی، سرنوشت و آینده بشری می‌توانند نقشی مهم و حتی حیاتی‌تر داشته باشند، بحث دیگری است که باید در حوزه معرفتی دیگر به آن پرداخته شود. فقط در اینجا به این موضوع بسنده می‌کنم که در کنار زیبایی ظاهری و جسمانی، انسان انواع دیگر زیبایی را داراست که اصولاً در بحث از زیبایی و زیبایی‌شناسی کمتر به آن‌ها پرداخته شده است: زیبایی روحی یا زیبایی معنوی. در اینجا منظور از طرح زیبایی روحی یا معنوی ضرورتاً یا ذاتاً طرح مباحث متافیزیکی یا دینی یا پرداختن به موضوعاتی مانند دین، معنویت و عرفان نیست؛ هرچند زیبایی‌های روحی یا معنوی می‌توانند با چنین مقوله‌هایی ارتباط داشته باشند. در اینجا منظور من از زیبایی روحی و معنوی آن‌گونه احساس خوشایندی است که انسان از حضور دیگران در کنار خود تجربه می‌کند. گذشته از آنکه آن دیگران دارای زیبایی‌های جسمانی و بدنی باشند یا نباشند. اصولاً زیبایی روحی یا معنوی برخاسته از ویژگی‌های شخصیتی، بینش‌ها، منش‌ها و رفتارهای فرد است و چنین

ویژگی‌هایی هستند که احساس دوست داشته شدن فرد در دیگران را برمی‌انگیزند، نه صرفاً و ضرورتاً ویژگی‌های جسمانی و بدنی چنین افرادی. به‌طور کلی، یکی از ویژگی‌های عصر جدید اهمیت یافتن عینیت‌ها و امور عینی و ملموس بر ذهنیت‌ها و امور غیرملموس است. کم‌رنگ شدن باورهای متافیزیکی در بخش‌هایی از جهان مدرن بنا به چنین دلایلی رخ داده است. البته، برخلاف نویسندگان مذهبی بدبین، در اینجا قصد آن ندارم که جهان کنونی را جهانی تیره‌وتار ترسیم کنم که معنویت و انسانیت از آن رخت بریسته است، بلکه، برعکس، معتقدم بشر همواره با مذهب و معنویت، و به‌طور کلی، با باورهای متافیزیکی زندگی کرده و زنده بوده است، و دوران کنونی تاریخ بشر نیز دورانی استثنایی نیست. با این حال، رنسانس، انقلاب علمی و صنعتی و دگرگونی‌های بنیادین ناشی از آن‌ها باعث ایجاد تغییراتی شگرف در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در سراسر جهان، به ویژه جهان مدرن و توسعه‌یافته، شده است. ظهور برخی تفکرات فلسفی معارض با دین، به‌طور خاص، و متافیزیک، به‌طور عام، تا حدودی باعث سستی گرفتن ارزش‌ها و هنجارهای دینی و معنوی، و در عوض، قدرت گرفتن ارزش‌ها و هنجارهای غیردینی، ضددینی و مادی در بخش‌هایی از دنیای کنونی و در میان برخی افراد، گروه‌ها و جوامع انسانی شد. در چنین وضعیتی، نمودهای عینی و مادی حیات اهمیت بیشتری نسبت به نمودهای غیرمادی و معنوی پیدا می‌کنند. مثلاً، در حوزه زیبایی‌شناختی، در چنین وضعیتی، زیبایی‌های ظاهری و جسمانی بیشتر از زیبایی‌های باطنی، روحی و معنوی به دید می‌آیند. شاید بنا به چنین دلایلی است که بشر امروز تلاش می‌کند با توسل به ابزارها و مکانیسم‌های گوناگون خود را زیبا جلوه دهد، چون گویا موجه بودن در دید انسان امروزی در داشتن چهره‌ای زیبا است. هرچند تلاش نمی‌کنم در این زمینه قاعده یا قانون خاصی وضع کنم. اما داده‌های برآمده از پژوهش‌های تجربی گوناگون در سطح جهانی گویای این واقعیت هستند که داشتن چهره‌ای جذاب و زیبا از مهم‌ترین عوامل دستیابی به موفقیت و پیشرفت در بسیاری از عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی است. به همین دلیل است که بخش مهمی از جوانان و نوجوانان،

به‌ویژه دختران و زنان، تمامی تلاش و امکانات خود را به کار می‌گیرند تا زیباتر از آنچه هستند شوند. در چنین شرایطی است که مدیریت بدن، در اشکال گوناگون آن، مانند استفاده از پوشش‌ها یا آرایش‌های خاص، و مهم‌تر از همه، انجام جراحی زیبایی، به یک اصل و ضرورتی انکارناپذیر در زندگی برخی انسان‌های امروزی تبدیل می‌شود.

این نوشتار، با وجود تمام کاستی‌هایش، بازتابی است از دل‌نگرانی نویسنده آن به مسئله گسترش گرایش افراطی به جراحی زیبایی در سطح جهانی، به‌طور عام، و در جامعه ایرانی، به‌طور خاص. هرچند در مورد ابعاد اجتماعی و فرهنگی جراحی زیبایی در کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته، منابع پژوهشی متعددی در قالب کتاب، مقاله و طرح‌های پژوهشی وجود دارد، اما در ایران در این زمینه، غیر از تعداد معدودی کتاب، که بیشتر به موضوع مدیریت بدن پرداخته‌اند، و کمتر موضوع جراحی زیبایی را مورد بحث قرار داده‌اند، و همچنین مقالات مربوط به گزارش پژوهش‌های تجربی در مورد جراحی زیبایی، منبع پژوهشی چندانی وجود ندارد؛ حتی بخش مهمی از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد جراحی زیبایی در حوزه پزشکی و روان‌شناسی انجام شده‌اند. از این رو، نبود منبع پژوهشی در زمینه جراحی زیبایی، به‌ویژه در قالب کتاب، کاملاً محسوس است. نوشتار حاضر به‌هیچ‌روی این داعیه را ندارد که تمامی ابعاد اجتماعی و فرهنگی جراحی زیبایی را مورد بحث و بررسی قرار داده است، اما می‌تواند بیان کند که مهم‌ترین موضوعات مربوط به ابعاد اجتماعی و فرهنگی جراحی زیبایی را مورد کنکاش و پژوهش قرار داده است. همچنین، پژوهش حاضر تلاش کرده است مهم‌ترین منابع موجود در زمینه جراحی زیبایی را، در قالب کتاب‌ها، نشریات، طرح‌های پژوهشی، پایان‌نامه‌های در دسترس و سایت‌های اینترنتی معتبر، مورد استفاده قرار دهد، به‌گونه‌ای که تا آن‌جا که امکان‌پذیر است منبع مهمی در این حوزه نمانده باشد که مورد غفلت قرار گرفته باشد. البته، این مطلب به معنای بیان تلاش نویسنده است و مطلقاً بدین معنا نیست که چنین اتفاقی کاملاً رخ داده است. از سوی دیگر، هدف پژوهش علمی مسلماً بیان واقعیت‌های موجود است، نه استناد به تمامی

پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند، اما از آنجا که بیان نتایج پژوهش‌های گوناگون در زمینه موضوع مورد بررسی ضرورت دارد، به‌ویژه آن‌که ممکن است هر پژوهشی سویی خاصی از موضوع را بررسی کرده باشد، بررسی تمامی پژوهش‌های تجربی انجام‌شده، یا لاقلاً مهم‌ترین آن‌ها، یک ضرورت علمی است.

این پژوهش در هشت فصل تنظیم شده است. در فصل اول این پژوهش، کلیات بحث در مورد جراحی زیبایی آمده است. طرح و بیان موضوع جراحی زیبایی، اهمیت موضوع و ضرورت پژوهش در حوزه جراحی زیبایی، بیان اهداف پژوهش و تعریف مفاهیم و اصطلاحات کلیدی در حوزه جراحی زیبایی مباحث فصل اول کتاب بوده است. در این فصل گفته شده است که در دهه‌های اخیر موضوع مدیریت بدن، در اشکال گوناگون آن، همچون نحوه پوشش و آرایش، و به‌ویژه جراحی زیبایی، به موضوعی مهم در محافل علمی، اجتماعی و فرهنگی تبدیل شده است. مدیریت بدن، از یک سو، یک موضوع مهم برای سیاست‌گذاری در حوزه‌های گوناگون پزشکی، اجتماعی و فرهنگی است. از سوی دیگر، ضمن آنکه مدیریت بدن امری پسندیده و مطلوب است، اما گرایش افراطی به آن می‌تواند آسیب‌ها و چالش‌های جدی برای افراد، گروه‌ها و جوامع انسانی ایجاد کند. امروزه یکی از اشکال مهم و رایج مدیریت بدن در بخش مهمی از جوامع انسانی، به‌ویژه ایران، جراحی زیبایی است. اساساً جراحی زیبایی برای بهبود بخش‌های آسیب‌دیده بدن، و حتی مبدل کردن زشتی‌های ظاهری به زیبایی‌های ستودنی، نه تنها بد و نابهنجار نیست، بلکه حتی ضرورت دارد که در مواردی که سیمای ظاهری افراد دارای برخی نقص‌ها و نازیبایی‌هاست، این نقص‌ها و نازیبایی‌ها اصلاح و برطرف شوند. آنچه امری نابهنجار، نامعقول و حتی آسیب‌زا است گرایش افراطی نسل‌های کنونی به سمت جراحی زیبایی است. اساساً بخش مهمی از نویسندگان دیدگاهی انتقادی به انجام جراحی زیبایی دارند. از مهم‌ترین دلایل آن‌ها در این زمینه پیامدها و آسیب‌های پزشکی، روانی و روان‌شناختی، اجتماعی و فرهنگی جراحی زیبایی برای افراد و جامعه است. علاوه بر هزینه‌های مادی صرف‌شده برای مدیریت

بدن، یا حتی مهم‌تر از آن، هزینه‌های غیرمادی مدیریت بدن، همچون گذران زمان زیاد برای آن و چالش‌های هویتی و فرهنگی ناشی از آن، گرایش افراطی به مدیریت بدن می‌تواند جوامع انسانی را از حرکت در مسیر توسعه بازدارد. اصولاً تأکید افراطی بر ظواهر مادی و جسمانی، و به‌ویژه غفلت از ابعاد روحی، روانی و انسانی می‌تواند چالش‌های مهم هویتی، اجتماعی و فرهنگی برای هر جامعه‌ای پدید آورد. همچنین، یکی از دلایلی که پرداختن به موضوع جراحی زیبایی را بسیار مهم و حیاتی می‌کند، مسائل و حواشی مربوط به این جراحی‌ها و گاه وجود نتایج نامطلوب است. به‌طور کلی، با توجه به پیامدهای اجتماعی و فرهنگی گوناگون گرایش افراطی به جراحی زیبایی، به‌ویژه نقش آن در روند توسعه‌نیافتگی، ضرورت دارد که چنین پدیده‌ای از دیدگاه جامعه‌شناختی، و علوم دیگر، مورد مطالعه قرار گیرد.

در فصل دوم کتاب تاریخچه جراحی زیبایی در جهان و ایران به‌طور مختصر بیان شده است. در این فصل بیان شده است که آراستن ظاهر و بدن پدیده‌ای است که در طول چند هزار سال در جوامع بشری رواج داشته است. در امپراتوری‌های مصر، یونان، روم، هند، چین و ایران باستان مردان و به‌ویژه زنان از ابزارها و مواد گوناگون برای آراستن ظاهر و پیراستن بدن خود استفاده می‌کردند. به‌لحاظ تاریخی، جراحی زیبایی از جراحی‌های ترمیمی نشئت گرفته است. بر اساس داده‌های تاریخی، روش‌های جراحی ترمیمی در هندوستان در ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد انجام می‌شده است. شواهدی تاریخی برای جراحی زیبایی در دوره‌های کهن وجود دارد. به همین دلیل، برخی معتقدند جراحی زیبایی، برخلاف تصور عام، پدیده‌ای جدید نیست، بلکه عملی است تاریخی، به‌گونه‌ای که در مصر باستان به‌صورتی گسترده استفاده می‌شده است. برخی عوامل اجتماعی طی فرایند بسط و گسترش این نوع اعمال جراحی نقش موتور محرکه آن را ایفا کرده‌اند. در مراحل اولیه جراحی زیبایی در دوران مدرن، یعنی از زمان جنگ جهانی اول، جراحی زیبایی با هدف ترمیم بافت‌های آسیب‌دیده بدن انجام می‌گرفت، و این نوع جراحی پیشرفت سریع خود را مدیون جراحی‌ها و سوختگی‌های بعد از جنگ است. به‌طور کلی، میل به زیبایی یک

میل ریشه‌دار در نهاد بشر است و انسان‌ها از دیرباز به دنبال آن بوده‌اند که با استفاده از ابزارها و شیوه‌های گوناگون خود را زیبا جلوه دهند. آنچه گرایش به زیبایی انسان و مدیریت بدن در دوران مدرن را از دوران کهن متمایز می‌کند این است که مدیریت بدن در دوران کهن غالباً با بهره‌گیری از ابزارها و مواد طبیعی صورت می‌گرفته و انسان‌ها در تلاش بوده‌اند خود را به آن معیارهای زیبایی‌شناختی که اصیل و طبیعی قلمداد می‌شده است، نزدیک کنند؛ از طرف دیگر، برخلاف دوران مدرن، در دوران کهن میل به زیبایی یک میل طبیعی و متعارف بوده، نه میلی افراطی و تصنعی. اما مدیریت بدن در دنیای کنونی، ضمن آنکه غیرمتعارف، افراطی و تصنعی است، گرایشی افراطی به مدیریت بدن در بسیاری از اقشار و لایه‌های اجتماعی گوناگون پدیدار شده است.

در قسمت مربوط به تاریخچه جراحی زیبایی در ایران نیز گفته شده است که زنان ایرانی در عهده باستان از هفت قلم آرایش استفاده می‌کردند. استفاده از لوازم آرایش در ایران باستان فقط برای زنان متأهل مجاز بود، سبک آرایش نیز با سبک آرایش خاص دوره اسلامی متفاوت بود. در دوران قاجار و پهلوی به دنبال آشنایی ایرانیان با غرب انواع پوشش و لوازم آرایش وارد ایران شد. در دوران پهلوی مجلات متعددی در مورد پوشش و آرایش چاپ و منتشر می‌شدند. در دوران معاصر، به‌ویژه از دوران حکومت قاجار به این سو، مدیریت بدن در ایران وارد مرحله جدیدی شد. آشنایی با غرب و دستاوردهای صنعتی آن، به‌ویژه در حوزه زیبایی و مدیریت بدن، جامعه ایرانی را دچار دگرگونی‌ها مهم در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی کرد. پس از انقلاب، به‌ویژه پس از جنگ، مدیریت بدن در ایران شکل ویژه‌ای به خود گرفت. در شرایط کنونی جامعه ایران، مدیریت بدن، به‌ویژه جراحی زیبایی، تابعی است از شرایط جهانی و جهانی شدن، ضمن آنکه شرایط ویژه جامعه ایرانی، مدیریت بدن در ایران را تا حدودی از مدیریت بدن در جهان متمایز می‌کند. علاوه بر عواملی مانند جهانی شدن و جریان‌های جهانی مدیریت بدن، وجود نظام هژمونیک سیاسی و فرهنگی نقش خاصی در گرایش افراطی به مدیریت بدن، به‌طور عام، و جراحی زیبایی، به‌طور خاص، در ایران بازی می‌کند. اما به‌طور خاص از

پیدایش جراحی پلاستیک، یا جراحی زیبایی، در ایران و تأسیس این رشته در دانشگاه تهران بیش از نیم قرن می‌گذرد. با توجه به آمار و ارقام موجود، ایران یکی از کشورهایی است که در آن انواع جراحی زیبایی، در مقایسه با کشورهای دیگر، انجام می‌شود و به‌صورت روزافزونی در حال گسترش است؛ حتی بیماران و متقاضیان زیادی از برخی کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای خاورمیانه، برای انجام عمل جراحی زیبایی کشور ایران را انتخاب می‌کنند، که علاوه بر فراگیر بودن و تخصص نسبی پزشکان ایرانی در این زمینه، ارزان بودن هزینه‌های جراحی زیبایی، به تعبیر برخی نویسندگان، ایران را به بهشت جراحی زیبایی تبدیل کرده است. هرچند در زمینه جراحی زیبایی در ایران هنوز آمار دقیقی ارائه نشده است، اما برخی منابع رسمی و غیررسمی گزارش می‌دهند که ایران جزو کشورهایی است که دارای بالاترین نرخ انجام عمل جراحی زیبایی است.

در فصل سوم این کتاب وضعیت و آمار جراحی زیبایی در جهان و ایران ارائه شده است. آمار موجود جراحی زیبایی در سطح جهانی نشان‌دهنده این واقعیت است که این پدیده در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای رواج یافته و حتی در بخش‌های در حال توسعه و توسعه‌نیافته جهان در حال افزایش است. البته باید یادآور شوم که نوع جراحی زیبایی رایج از یک کشور به کشور دیگر دارای برخی تفاوت‌هاست. مثلاً، در برخی از کشورها انجام جراحی در ناحیه صورت رواج بیشتری دارد، در برخی کشورها جراحی نواحی سینه و شکم اهمیت بیشتری دارد، و در کشورهای دیگر انجام جراحی برای متناسب کردن بخش‌های پایین تنه بدن بیشتر رواج دارد، که این موضوع نیز هم با عوامل پزشکی ارتباط دارد و هم با عوامل زیبایی‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای. بر اساس یک آمار غیررسمی، هر ساله بیش از ۳۶ هزار ایرانی جراحی زیبایی انجام می‌دهند. حداقل به‌لحاظ عمل زیبایی بینی، ایران دارای رتبه نخست در سال ۲۰۱۰ بوده است. بعد از ایران، کشورهای آمریکا، انگلستان و تا حدی فرانسه در ردیف‌های بعدی قرار دارند. به‌طور کلی، آمار جراحی زیبایی در ایران از میانگین جهانی آن حتی بیشتر است، از این رو

ضرورت دارد که به لحاظ ابعاد گوناگون پزشکی، روان‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، زمینه‌ها و پیامدهای آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد. در فصل چهارم کتاب شایع‌ترین جراحی‌های زیبایی در ایران بررسی شده است. در این فصل گفته شده است که شایع‌ترین جراحی‌های زیبایی در ایران، بر اساس نظر برخی مسئولان و کارشناسان ایرانی، عبارت‌اند از: جراحی بینی (بر اساس آمارهای موجود، ایران از نظر تعداد جراحی زیبایی بینی در دنیا در رتبه اول قرار دارد و پس از ایران کشورهای آمریکا، انگلستان و فرانسه در رتبه‌های بعدی قرار دارند)، تزییق بوتاکس، پیوند مو، تزییق چربی، جراحی سینه، جراحی شکم، جراحی‌های زیبایی صورت و لیپوساکشن.

فصل پنجم این کتاب به بررسی مختصر دیدگاه‌های مخالفان و طرفداران جراحی زیبایی پرداخته است. جراحی زیبایی، همانند دیگر امور که مداخله بشری در آن وجود دارد، موافقان و مخالفان خود را دارد که هر کدام با تکیه بر برخی استدلال‌ها، دلایل موافقت یا مخالفت خود با این کار را بیان می‌کنند. هرچند موافقان مطلق عمل جراحی زیبایی را نوعی هنر و ابزاری برای کم کردن رنج مردم و افزایش اعتماد به نفس آن‌ها می‌دانند، مخالفان رواج بی‌رویه اعمال جراحی زیبایی اعتقاد دارند که مردم با حفظ چنین اعمالی به اندازه کافی آشنا نیستند. مخالفان جراحی زیبایی، همچون فمینیست‌ها، به‌ویژه از فرهنگی انتقاد می‌کنند که اثرات آن زنان را تشویق می‌کند تا خود را به نام زیبایی در معرض جراحی قرار دهند. آن‌ها جراحی زیبایی را برای زنان بسیار آسیب‌زا می‌بینند. برخی دیگر، علی‌رغم انتقاد کلی، به جراحی زیبایی دیدگاهی معتدل‌تر داشته و استدلال می‌کنند که بیماران جراحی زیبایی قادر به بروز عاملیت و عقلانیت و خودکنترلی بر تصمیم‌های معالجه‌شان هستند. همچنین، بیان آسیب‌های بهداشتی و پزشکی، هزینه‌ها، آسیب‌ها و پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از جمله دلایلی هستند که مخالفان جراحی زیبایی برای بیان مخالفت خود با این موضوع بیان می‌کنند. طرفداران جراحی زیبایی نیز حداقل از دو بعد به این موضوع نگرسته و از انجام آن دفاع می‌کنند: ۱. ترمیم بخش یا بخش‌های آسیب‌دیده بدن، که از این طریق دو هدف ترمیم و زیبایی،

هم‌زمان، تحقق پیدا می‌کند؛ زیباسازی بخش یا بخش‌هایی از بدن که فاقد زیبایی است، و حتی حداقل معیارهای زیبایی را ندارند. به‌طور کلی، طرفداران جراحی زیبایی غالباً از زاویه زیبایی‌شناختی به این موضوع می‌نگرند و از انجام آن دفاع می‌کنند. اساساً در مواردی که عمل جراحی زیبایی دارای پیامدهای پزشکی، روحی و روانی، اقتصادی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی بر فرد، خانواده و جامعه نباشد، انجام این‌گونه جراحی‌ها نه تنها نباید مسئله یا چالش تلقی شود، بلکه حتی در مواردی برای برخی از افراد که دارای برخی مشکلات ظاهری یا جسمانی به‌لحاظ زیبایی‌شناختی هستند، باید توصیه شود.

در فصل ششم این کتاب عوامل مؤثر بر گرایش به جراحی زیبایی در جهان و ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در این زمینه گفته شده است که سه عامل مهم مؤثر بر جراحی زیبایی عبارت‌اند از: ۱. عوامل زیست‌شناختی پزشکی؛ ۲. عوامل روانی و روان‌شناختی؛ ۳. عوامل اجتماعی و فرهنگی. در مورد عوامل زیست‌شناختی و پزشکی مؤثر بر جراحی زیبایی گفته شده است که انجام برخی جراحی‌ها اصولاً ضروری است، زیرا در راستای ترمیم عضوی از بدن که دچار آسیب شده انجام می‌شود. چنین جراحی‌هایی را جراحی‌های ترمیمی می‌گویند. این قبیل جراحی‌ها جهت مرتفع ساختن نقص عضو بیمار صورت می‌گیرد و در عین حال ظاهر بیمار را هم زیباتر می‌سازد. اصولاً یکی از حوزه‌های معرفتی که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در گسترش مدیریت بدن، به‌طور عام، و جراحی زیبایی، به‌طور خاص، مؤثر بوده است، تحول در دانش پزشکی در دهه‌های اخیر بوده است. طی سال‌های گذشته، توسعه دستاوردهای علمی و رشد تکنولوژی پزشکی، فرصت‌های تازه‌ای در زمینه تغییر خصوصیات طبیعی بدن مهیا کرده و به همان نسبت معماهای اخلاقی جدیدی را مطرح کرده است. با این حال، دانش پزشکی امروزه نقشی بنیادی در تلقی انواع خاص از بدن‌ها به‌عنوان بدن‌های زیبا یا نازیبا دارد، و این امر نقشی مهم در گرایش عامه مردم به تعاریف خاص از زیبایی و نازیبایی بازی می‌کند. به بیان دیگر، باید بگوییم که زیبایی تعریف‌شده از سوی جامعه پزشکی امروزه نقش هژمونی یا گفتمان زیبایی‌شناختی را داشته و در هدایت

مردم جوامع کنونی به سمت جراحی‌های زیبایی، برای متناسب ساختن بدنشان با معیارهای زیبایی‌شناختی آن هژمونی یا گفتمان زیبایی‌شناختی، بسیار مؤثر است.

در مورد عوامل روانی و روان‌شناختی، چهار عامل مهم گرایش به جراحی زیبایی نام برده شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند. این عوامل عبارت‌اند از: ۱. گرایش طبیعی انسان به زیبایی؛ ۲. اختلالات شخصیتی و بیماری بدشکل‌انگاری بدن؛ ۳. گم‌گشتگی و بحران هویت؛ ۴. ویژگی‌های شخصیتی ضعیف. در مورد عوامل اجتماعی و فرهنگی گرایش به جراحی زیبایی نیز چهارده عامل مهم مطرح شده و مورد بحث قرار گرفته‌اند. این عوامل عبارت‌اند از: ۱. ساختارها یا فشارهای اجتماعی؛ ۲. کسب پذیرش و موفقیت اجتماعی؛ ۳. نظام سرمایه‌داری سودمدار؛ ۴. نگرش‌های جنسیتی به بدن؛ ۵. سرمایه اجتماعی و فرهنگی؛ ۶. رواج مصرف‌گرایی در جامعه جدید؛ ۷. کسب موفقیت و منزلت اجتماعی؛ ۸. اروتیزه شدن زیبایی؛ ۹. نظام فرهنگی جامعه؛ ۱۰. خانواده، گروه‌های مرجع و دوستان؛ ۱۱. مدگرایی و چشم‌رهم‌چینی؛ ۱۲. رسانه‌های ارتباط جمعی؛ ۱۳. مدرنیته، جهانی شدن و مدیریت بدن؛ ۱۴. واکنش در برابر گفتمان زیبایی حاکم.

در فصل هفتم این کتاب به پیامدها و آسیب‌های جراحی زیبایی پرداخته شده است. در این بخش سه پیامد یا آسیب جراحی زیبایی مطرح و بررسی شده است که عبارت‌اند از: ۱. پیامدها و آسیب‌های پزشکی جراحی زیبایی؛ ۲. نارضایتی به علت عدم موفقیت عمل؛ ۳. پیامدهای فکری، هویتی و فرهنگی. در این فصل گفته شده است که جراحی زیبایی دارای چالش‌ها و آسیب‌های گوناگون پزشکی، روان‌شناختی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. آمار و ارقام جهانی نشان می‌دهند که بخش چشمگیری از جراحی‌های زیبایی در میان زنان انجام می‌شود؛ از این رو، چالش‌ها و آسیب‌های مربوطه نیز بیشتر دامن‌گیر زنان و خانواده‌های آن‌ها خواهد بود. عمل جراحی زیبایی با مخاطرات پزشکی گسترده‌ای همراه است، به گونه‌ای که حتی برخی پزشکان و جراحان منصف تلاش می‌کنند با شیوه‌های گوناگون، از جمله ارجاع دادن بیمار متقاضی

جراحی زیبایی، که نقص خاصی در بدن او تشخیص داده نمی‌شود، به مشاور روان‌شناس یا روان‌کاو، او را از انجام جراحی زیبایی منصرف کنند. همچنین، بر اساس آمار بخش مهمی از افرادی که عمل جراحی زیبایی داشته‌اند از عمل جراحی خود ناراضی بوده‌اند. علت این موضوع این است که بیماری که بر اساس ذهنیت خود به پزشک مراجعه می‌کند تا با جراحی زیباتر شود، وقتی این ذهنیت او تحقق پیدا نکند، دچار نارضایتی می‌گردد. همچنین، بیشتر افرادی که روی به عمل جراحی زیبایی می‌آورند، پس از عمل ممکن است از وضعیتی که برایشان پیش آمده راضی نباشند. این افراد یک تصور رؤیایگونه‌ای از خود دارند، در ذهن تصویر دیگری از خود می‌سازند و تصور می‌کنند که پس از جراحی زیبایی، زیباتر خواهند شد. درحالی‌که این تصور اشتباه است و هرگز افراد با عمل جراحی به این تصویر رؤیایگونه دست نمی‌یابند. این افراد وقتی به رؤیای خود نمی‌رسند دچار افسردگی، اضطراب و حتی پرخاشگری می‌شوند.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای گرایش افراطی به مدیریت بدن، به‌ویژه جراحی زیبایی، پیامدهای فکری، هویتی و فرهنگی است. در این زمینه جامعه‌شناسان، روان‌شناسان اجتماعی و روان‌شناسان مباحث گسسته‌ای مطرح کرده‌اند. آن‌ها غالباً در بحث از چالش‌های فکری، هویتی و فرهنگی دنیای مدرن بر موضوعاتی مانند بحران هویت و بیگانگی اجتماعی و فرهنگی تأکید دارند. در انتهای این فصل گفته شده است که: اساساً یکی از مهم‌ترین چالش‌ها و آسیب‌های جراحی زیبایی در سطح جهانی چالش‌ها و آسیب‌های فکری، هویتی و فرهنگی است. فراموش کردن فلسفه وجودی خود، تنزل هویت فردی از انسان متعالی به موجودی صرفاً زیبا، تنزل دل‌نگرانی انسان‌ها از امور انسانی و اخلاقی متعالی به امور سطحی و ظاهری، تلف کردن فرصت‌های زندگی برای پرداختن به امور کم‌اهمیت‌تر زندگی، همچون مدیریت ظاهر و بدن، به فراموشی سپردن بزرگان و مفاخر علمی، فکری و فرهنگی، بیگانگی نسبت به فرهنگ خودی و مستحیل شدن در یک فرهنگ دست‌کاری‌شده توسط رسانه‌های تحت مالکیت نظام سودمحور و سرمایه‌دارانه تنها بخش‌های کوچکی از چالش‌ها و آسیب‌های فکری، هویتی و فرهنگی جراحی زیبایی هستند.